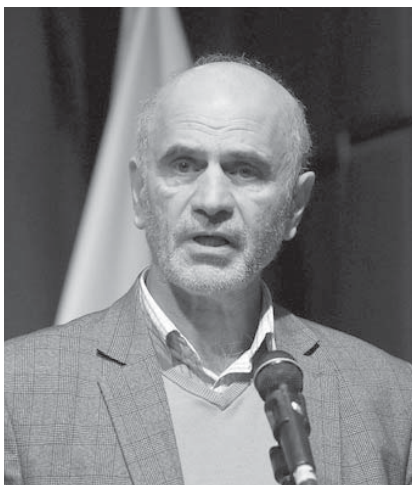




راه نجات ایران؛

بازسازی بنیه تولید ملی و برقراری عدالت اجتماعی

گزارشی از برگزاری نشست «دولت چهاردهم و چشم انداز روندهای فزاینده نابرابری های ناموجه»



اشاره:

دکتر فرشاد مومنی، استاد اقتصاد دانشگاه الزهرا(س) در نشست «دولت چهاردهم و چشم انداز روندهای فزاینده نابرابری های ناموجه»، در موسسه مطالعات دین و اقتصاد، خاطرنشان کرد: این همه سهل انگاری های خطرناک و نابخشودنی، در درجه اول ریشه در فقدان آگاهی های بایسته روشمند و هویت جمعی یافته در سطح ساختار قدرت است و برخی به گونه ای حرف می زنند و عمل می کنند که گویی هیچ درک روشنی از آثار ویران ساز فقر و نابرابری برای مردم ایران و آینده کشورمان ندارند.

وی با یادآوری اینکه در ادب دینی ما تعبیر الموت الاکبر برای فقر در نظر گرفته شده است، از کارشناسان مذهبی خواست که طرح این مسائل را در اولویت قرار و درباره آن تذکر دهند و افزود: مهمترین هزینه ای که از دریچه معرفت دینی در زمینه غفلت از عدالت ورزی و سهل انگاری درباره فقر و نابرابری های ناموجه مطرح می کنند این است که می گویند جامعه ناامن می شود. کاش روحانیون و پژوهشگران دینی ما بر این مساله متمرکز می شدند که این چه حکمتی است که در اسلام، به صراحت گفته می شود فقرا در ثروت

ثروتمندان سهم دارند. اینها حکمت هایی دارد که از دریچه تحلیل های سطح توسعه، به شکل روزآمد قابل فهم است.

این اقتصاددان به بخشهایی از کتاب «در هوای حق و عدالت» نوشته محمدعلی موحد اشاره کرد و گفت: چطور می شود بخشهایی از ساختار قدرت در حیطه های بسیار کم اهمیت، به نام دین سینه چاک می دهند اما درباره اصل ماجرا که مساله عدالت و مبارزه با فقر است، این همه سهل انگاری های مشکوک و این همه فاجعه سازی های ناشی از ندانستن ها و چاپلوس پروری و سفله پروری ترجیح دادن، مشاهده می شود.

مومنی با تاکید بر اینکه همه انواع شرور، ریشه در فقر و نابرابری های ناموجه دارد و در چارچوب مناسبات فقرزا، جامعه از فقرا و محرومان بیشتر ضرر می کند و بقای جامعه تهدید می شود، اظهارداشت: به چهره منحوس نتایج کنکور ایران از دریچه فقر و نابرابری نگاه کنید و ببینید آن ساختار قدرتی که این گونه انیشتن های بالقوه را به جای اینکه نبوغشان در جهت اعتلای ایران به کار گرفته شود، به سمت ناهنجاری و ناپهنجارسازی و پیش بینی ناپذیر بودن جامعه می کشاند، چقدر باید شرمسار باشد.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد، به تشریح

پیامدهای مخرب فقر و نابرابری در جامعه پرداخت و افزود: در شرایطی که فقر و نابرابری افزایش می یابد، شاهد هستیم الگوی ستیز و حذف با خشونت های سبانه، در جامعه جایگزین الگوهای مبتنی بر اعتماد و همکاری های اعتلابخش می شود. باید دائما از باب امر به معروف و نهی از منکر، صورت بلندبالای هزینه هایی که جامعه برای سهل انگاری حکومت در باب فقر و نابرابری متحمل می شود را به آنها گوشزد کنند. در عصر دانایی، تنها ادعای اینکه می خواهیم دانش بنیان شویم کافی نیست. آشکارترین نشانه صادق بودن این ادعا، این است که اگر دانایی محوری می خواهند باید فقر و نابرابری را از بین ببرند، نه



اینکه سیاست‌های اقتصادی‌شان دایماً تن مردم و تولیدکننده‌ها را بلرزاند و یک روز هوس شوک وارد کردن به قیمت‌های کلیدی را داشته باشند و روزی دیگر قیمت اقلام معیشتی مردم را بالا ببرند.

مومنی ادامه داد: همین افزایش قیمتی که در کالاهای اساسی در دوره دولت چهاردهم به مردم تحمیل کردند، عبرت‌آموز است. به مسلمانی که مشهور به پاکدامنی بود و در کاندیداتوری اش در زمان انتخابات قسم یاد کرد که به سمت اجرای سیاست‌هایی که مردم را از نظر معیشت تحت فشار قرار دهد، نمی‌روم، می‌گویم چقدر خدا رحم کرد که شما آن قسم را یاد کردید! هنوز از گرد راه نرسیدید، نان و مایحتاج مردم این گونه شده است و اطرافیان این آقا هم دایماً تن و بدن مردم را از وارد شدن شوک به قیمت‌های کلیدی می‌لرزاند. اگر چنین تعهدی وجود نداشت، عزیزان می‌خواستند چه کنند؟

این اقتصاددان با بیان اینکه اهمیت این تذکرها در شرایط فعلی چندین برابر است، گفت: اکنون که حکومت گرامی در آستانه پخت و پز سند لایحه بودجه است، امیدوارم رسانه‌های گرامی، روزمره به آقای رئیس‌جمهور، قسم‌ها و تعهداتی که داشته و اینکه شرافتش را گرو گذاشت که سراغ شوک درمانی نرود و عدالت در سلامت و عدالت آموزش و رفع فقر غذایی و ریشه کنی سوء تغذیه را اجرا کند، یادآور شوند. علاوه بر قانون اساسی و متون اسناد بالادستی و دین خدا، شرافت گرو گذاشته شده و برای جامعه ما بسیار تلخ و غم انگیز خواهد بود که آن شرافت به گرو گذاشتن‌ها، در سند لایحه بودجه انعکاس بیایسته نداشته باشد و یا خدای ناکرده خلاف آن مطرح شود.

وی ادامه داد: آنچه که یک مساله بسیار حیاتی‌تر است و نوعی نقض غرض هم است، این است که حکومت‌گران گرامی، بعد از این همه غفلت و تغافل، وقتی که به فقر و نابرابری هم حساس می‌شوند، نه از موضع خادم، که از موضع یک مخدوم رانت محور وارد می‌شوند و رویکردهایی که به رفع فقر و نابرابری دارند، صدقه‌ای و رانت محور

است و بیش از خرد و دانایی، احساسات ارضاء نشده دورغین در آن دیده می‌شود.

مومنی با بیان اینکه از دیدگاه اجرایی عملیاتی در اندیشه توسعه گفته می‌شود مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی اقتصادی‌شان، حلقه وصل عدالت و آزادی است، تصریح کرد: در این کشور گرامی با آن همه ادعای دینی و آن همه رویا پردازی‌ها به نام سند چشم‌انداز و برنامه میان مدت، به همان اندازه که ما درباره عدالت و آزادی در توسعه کم می‌شنویم، درباره مشارکت مردم در تعیین سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان هم بسیار کم می‌شنویم.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد، به تشریح تأثیرات پنج‌گانه مشارکت فعال و موثر مردم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی‌شان بر سرنوشت توسعه پرداخت و گفت: مشارکت مردم، ناامنی و ناطمینانی‌ها را به شدت کاهش می‌دهد. اگر عده ای نشان در این است که با سرکوب و تعرض به حقوق مردم، اوضاع را همواره ناامن نگه دارند، این خرد گردانندگان جامعه است که باید آنها را بر سر جای‌شان بنشانند. در این کشور، تنها به تعداد نهادهای نظارتی افزوده می‌شود، اما هیچ ضابطه و معیاری که درباره کیفیت این نظارت‌ها هم تامل داشته و مسئولیت‌شناسی را مطالبه کند مشاهده نمی‌کنیم.

وی ادامه داد: عدالت در شرایط مشارکت مردم تضمین می‌شود. یکی از ظرفیتهایی که مشارکت ایجاد می‌کند، جهش ظرفیتهای نظام ملی در

مهار شوک‌های برون‌زای نامطلوب و افزایش قدرت انعطاف برای نشان دادن واکنش‌های مساعد و بالقوه در برابر تهدیدات است.

این اقتصاددان گفت: چگونه اجرای چند باره آنچه که شکستش مکرر ثابت شده را حمل بر صحت کنیم؟! آقای پزشک‌ها در دوره انتخابات شرافتش را گرو گذاشت که سراغ شوک درمانی نخواهم رفت و بعد هنوز بر صندلی ریاست جمهوری ننشسته، اولین حرفی که یکی از نزدیکانش در حیطه اقتصاد می‌زند این است که باید جامعه آماده شوک جدید به نرخ ارز باشد. آن هم دقیقاً در همان حیطه‌ای که در دولت رئیسی هم تجربه شد و با خون‌ریزی‌ها و خسارت‌ها هم همراه بود. اولین حرفی که می‌زند شوک نرخ ارز و دومین حرفشان هم آزادسازی واردات خودرو است!

وی در ادامه، به انتقادات وزیر بهداشت نسبت به پیامدهای مخرب حذف ارز ترجیحی برای دارو و تجهیزات پزشکی در کشور اشاره کرد و یادآور شد: ادبیات جدید توسعه، می‌گوید تا پایان قرن بیستم، وقتی بحث از عدالت می‌شد، می‌گفتیم دسترسی و توزیع عادلانه قدرت، ثروت و منزلت. اما در ربع اول قرن بیست و یکم دو رکن دیگر هم به آن اضافه کردند و توزیع عادلانه صدا و اطلاعات هم به آن اضافه شد. چرا صدای ۷۰ درصد جمعیت که یا زیر خط فقر هستند یا در آستانه فروغلییدن به خط فقر هستند، به گوش مسئولان گرامی ما نمی‌رسد. اما صدای مافیاهای واردات چپ، رباخوار، دلال و سوداگر به اندازه‌ای

رسا به گوش مسئولان ما می رسد که آن آقای که شرافتش را گرو گذاشته بود و گفته بود شوک درمانی نمی کنم، اولین حرفی که زده بود این بود که باید به سراغ بازنگری در قیمت بنزین برویم! مومنی اضافه کرد: آنچه اکنون می خواهیم به آقای رئیس جمهور و دولت و مجلس هدیه کنم، این است که بگویم حیاتی ترین مساله در زمینه فقرزایی و تشدید نابرابریهای ناموجه در این سرزمین گرامی، مالی سازی منحن اقتصاد است. یکی از قله های دانش بشری در این زمینه، کتاب «فساد در نظام سرمایه سالار» است و عمیق ترین کتابی است که در ۲۰ ساله گذشته، در افشای مافیاهایی که کشورهای دنیا را به سمت مالی سازی پیش می برند نوشته شده است. وجوه بین المللی آن هم به اندازه وجوه ملی اش اهمیت دارد، اما آنچه که حکومت گرامی ما می تواند درباره اش خیلی فکر کند این است که سقوط فقرات و بزرگترین لطمه زننده به حیثیت ایران و ایرانی و تهدید کننده آینده آن، در میان عناصر و اجزای مالی سازی در ایران، طرز عمل بانک های خصوصی است.

این اقتصاددان اضافه کرد: کمیسیون اقتصادی مجلس، تحولات اقتصاد کلان را با همه اغتشاشات مفهومی که درباره تولید در ایران وجود دارد، از روزی که بانکهای خصوصی در ایران فعال شده اند، یعنی در سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۹، در یک دوره ۲۰ ساله، بررسی کرده و می گوید اینکه بعد از آن به چه وضعیتی رسیدیم بماند اما در این

بیست ساله، رشد تولید ۳۶ درصد، اندکی بیش از سالی یک درصد بوده است. رشد تورم ۳ هزار و ۹۰ درصد بوده است. صدها دلالت هم بر این وجود دارد که مافیاهای خود تورم را به حکومتگران ما چگونه نشان می دهند! رشد نقدینگی و خلق تقاضاهای فاجعه ساز، ۱۰ هزار و ۲۵۰ درصد بوده است! بعد دائما می گوید ناترازی فلان و فلان داریم! گویی اراده مافیاهای رسانه ای این است که از ناترازی اصلی که موتور پمپاژ دائمی خلق تقاضا است و در برابرش عرضه به نحیف ترین وضعیت تاریخی اش دچار است اصلا حرفی درباره اش زده نشود!

مومنی خاطرنشان کرد: آیا این تصادفی است که مافیاهای و آنها که اجیر شده اند درباره منشاهای تورم به هزاران آدرس عوضی و هزاران آدرس پوچ و کلیشه ای ارجاع می دهند به جز سقوط بنیه تولیدی! بعد از سوی دیگر شوک نرخ ارز که اکسیر ترویج قوی تر نگه داشتن مافیاهای رباخوارها و سوداگران را دائم به هر بهانه ای مطرح می کنند تا بانکهای خصوصی چاق تر شوند و اینکه مردم تا چه اندازه به فلاکت و افلاس می افتند و اینکه نهاد دولت از مردم فقیرتر شده و از عهده وظایف و مسئولیتهای ابتدایی اش بر نمی آید مورد توجه کسی قرار نمی گیرد! مافیاهای تولیدکننده های حقیقی را تخطئه و لجن مال می کنند و بعد این رانت خوارهایی که تولید را محمل کسب رانت کرده اند و با مونتازکاری منحن تحمیل کننده وابستگی های ذلت آور، کمر اقتصاد ملی را



می شکنند، سیستم را در خلق فرصت های شغلی مولد ناتوان می کنند، را به عنوان تاج سرشان می گذارند.

وی با بیان اینکه اگر بنیه تولیدی ضعیف باشد قادر به تاب آوری در برابر قدرتها نخواهیم بود، گفت: در این کشور درباره همه ناترازی ها صحبت می شود، اما چون منافع مافیای واردات درگیر است هیچ کس نمی گوید ناترازی اصلی این است که میان بنیه تولید ملی و نیازهای مصرفی این جامعه ناترازی فاجعه ساز و ذلت آور اتفاق افتاده است.

رئیس موسسه مطالعات دین و اقتصاد به گزارش وزارت کار اشاره کرد که در آن با استناد به گزارش بانک مرکزی در سال ۹۶ آورده است بیش از ۹۰ درصد تسهیلات طی سه دهه ای که از عمر تعدیل ساختاری در ایران می گذرد منحصرا به دهک ثروتمندترین رسیده و تصریح کرد: وقتی می خواهد مسئولان را راجع به شوک قیمت بنزین فریب دهند، می گویند مگر فقرا ماشین دارند؟! اما در اطراف آنها گویا کسی نیست که بگوید بله، فقرا ماشین ندارند اما پیاده هم جابجا نمی شوند و انعکاس شوک قیمت بنزین بر هزینه های حمل و نقل کمر فقرا را می شکنند.

مومنی با بیان اینکه اکثریت قریب به اتفاق فقرا برای سکونت به بیرون از شهرها رفته اند، گفت: وقتی قیمت بنزین را بالا می برید، هزینه های حمل و نقل فقرا آنچنان افزایش می یابد که با شما با آن زبان سخن می گویند! از یک سوراخ چند بار باید گزیده شویم تا روشن شود که از درون این سیاستها، فقر، فساد، فاجعه و فلاکت بیرون می آید! بانک مرکزی می گوید از خرداد ۱۳۹۰ تا خرداد ۱۴۰۳ بدهی بانکها به بانک مرکزی، ۱۳۸٫۵ برابر شده است! عموما بانکها و به خصوص بانکهای خصوصی، از منابع عمومی برای نابودکردن زندگی مردم استفاده می کنند. منافعش نصیب خودشان می شود و هزینه هایش را باید عامه مردم بپردازند. خصوصی سازی منافع توزیع رانت به یک اقلیت و عمومی سازی هزینه های آن توزیع نابرابر را به عریان ترین شکل شاهد هستیم و همه اینها به میزان

ملی و مردم در عمل بیشتر است. به نیتها جسارت نمی کنیم، اما برآیند قاعده گذاری ها در عمل اینگونه است.

این اقتصاددان با تاکید بر اینکه کانون اصلی مشکل این است که بنیه تولیدی در این کشور ساقط شده است، اظهارداشت: اگر در ساختار نهادی، به نفع تولیدکننده‌ها بازآرایی سیستمی انجام ندهید، ایران به اسارت قدرتهای بزرگ درخواهد آمد.

وی با بیان اینکه بانکهای خصوصی در افزایش قیمت مسکن در ایران نقش کلیدی داشتند، توضیح داد: در فاصله ۱۳۷۲ که برنامه منحن

تعدیل ساختاری آغاز شده تا بهار ۱۴۰۰، قیمت مسکن در تهران ۵۸۰ برابر شده است! سهم هزینه مسکن در بودجه خانوار از ۵۰ درصد عبور کرده است. ما نهادهای نظارتی داریم؟ راجع به عدالت فہم داریم؟! کسی که عدالت را بفہم، شدت شرم آور بودن این مناسبات را درک می کند. کلید نجات کشور این است که ایمان بیاوریم که اینها در تسخیر دولت است. ساختار قدرت ما به دست مافیایا تسخیر شده و مناسبات بهره کشانه استثمار ضد مردم، تولیدکنندگان و نهاد حکومت و به نفع اقلیت مفت خواره شکل داده شده است.

اگر آقای پزشکین فکر کند با رفوکاری و عمده کردن یک متغیر و فراموش کردن بحران سیستمی می توان کشور را نجات داد، اشتباه است. فقط با تکیه بر یک برنامه با کیفیت و با محوریت بازسازی بنیه تولید ملی و برقرار کردن عدالت اجتماعی ایران نجات پیدا خواهد کرد.

این عضو هیات علمی دانشگاه در پایان با انتقاد از اجرایی نشدن برنامه دولت برای دریافت خدمات کارشناسی از شاخه اقتصاد فرهنگستان علوم با وجود قولی که داده شده بود، گفت: جامعه ما بداند با اینکه جامعه علمی کشور زیر بار طاقت فرساترین فشارهای اقتصادی و غیراقتصادی قرار دارد، اما به خاطر منافع جامعه اش، همچنان آمادگی کار ایثارگرانه موثر دارد، به شرط اینکه اراده و صدق در عمل هم ببیند.

منبع: موسسه دین و اقتصاد



ایجاد نشده، به آن کمک کنیم، گفت: واقعا فردی مسئولیت دنیایی و قیامتی این تصمیم را برعهده بگیرد، من و آقای راغفر با کمال میل یک ماه به مسافرت می رویم! ما رایگان، با این سن و سال، از حیاتی ترین ساعات عمرمان وقت می گذاریم و می گوئیم برای کشور فاجعه ایجاد نکنید، تازه بدهکار می شویم و می گویند از جان این دولت چه می خواهید؟! اما به اینکه مافیایا از جان این دولت چه می خواهند همه هورا می کشند! این چه مناسباتی است؟!

مومنی تاکید کرد: کتاب بانکداری، ربا و مسائل مالی در اسلام شهید بهشتی می گوید اسلام به سرمایه و انباشت آن مشروط به اینکه در جهت صلاح جامعه کار کند، نهایت احترام را قائل است، به طوری که اگر کسی در دفاع از سرمایه اش کشته شود، از نظر اسلام شهید محسوب می شود اما آنکه اسلام با آن مبارزه می کند حاکمیت سرمایه و اینکه سرمایه به جان انسان ها و منافع ملی مرجع باشد است. هیچ سرمایه ای از این نظر، ضد توسعه ای تر و فاجعه سازتر از سرمایه های مالی نیست.

انشالله از سر نادانی و ناتوانی است که در محاسبه های مربوط به ثروت افراد، دارایی های پولی و مالی آنها را در محاسبه نمی آورند. فقط می شنویم در ایران ضریب جینی چه کولاک می کند، اما درباره اینکه ماجرا چیست، کسی حرفی نمی زند. ما حاکمیت سرمایه را به چشم می بینیم و زور اراده رباخوارها از اراده علم، منافع

تسهیلات بانکهای خصوصی به شرکت های زیرمجموعه شان مربوط است.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: بانک های خصوصی، چندین برابر سقف مجاز قانونی، به زیرمجموعه خودشان وام داده اند. تسهیلات مردم را می گیرند و در راستای یک منافع اقلیتی، فریز می کنند. هزینه های تورم زایی این مساله و محروم ماندن تولیدکننده ها از سرمایه در گردش را عامه مردم، کشور و حکومت می پردازد! آیا نشانه ای از این عریان تر می توانید پیدا کنید که این گونه نظام تصمیم گیری ما به تسخیر این گروه های غیرمولد درآمده باشد؟! در این بیش از دو دهه، مکرر گزارش منتشر شده که می گوید هیچ عنصری به اندازه بانکهای خصوصی در افزایش قیمت ارز، سکه و مسکن نقش آفرینی نکرده است. اما بعد وقتی می خواهند آدرس دهند، حرفهای منحنی می زنند که صد بار آزمایش شده و صد بار هم شکست خورده است.

مومنی تاکید کرد: تمام گزارش هایی که در سازمان برنامه، وزارت اقتصاد و بانک مرکزی تهیه شده، می گوید بعد از نیازهای اساسی و به ویژه شغل هیچ خدمتی به فقرا، به اندازه ارزان سازی هزینه های حمل و نقل کمک نمی کند! بعد شما می خواهید با افزایش قیمت بنزین عدالت برقرار کنید؟!

وی با بیان اینکه بزرگترین خدمت به آقای رئیس جمهور و دولت و کشور این است که تا فاجعه جدید در اثر تسخیر شدگی نظام تصمیم گیری